

Musicality
in
Piano Performance

Soroush Dehbasti

آنچه که یک پیانیست باید بداند



نویسنده :

سروش ده بستی

چاپ دوم

سر شناسه	: ده بستی، سروش، ۱۳۴۸-
عنوان و نام پدید آور	: آنچه که یک پیانیست باید بداند بحثی پیرامون علم موزیکالیته در موسیقی پیانویی قرون ۱۷، ۱۸ و ۱۹ میلادی / نویسنده سروش ده بستی .
مشخصات نشر	: تهران : چنگاه، ۱۳۸۷-
مشخصات ظاهری	: ج: پارتیسیون.
شابک	: دوره : 964-7383-24-X، ج ۱ : 964-7383-23-1
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: پیانو - تاریخ
رده بندی کنگره	: ML۶۵۰/۵۹۱۸ ۱۳۸۷
رده بندی دیویی	: ۷۸۶/۲۱
شماره کتاب شناسی ملی	: ۱۵۱۸۴۵۷

انتشارات : چنگاه ۶۶۹۷۳۱۱۰
 نام کتاب: آنچه که یک پیانیست باید بداند (جلد اول)
 تالیف : سروش ده بستی
 تایپ و صفحه آرایی : امیر جدی
 طرح روی جلد : پدram احتسابیان
 ویرایش : شفق هادوی
 شمارگان : ۱۵۰۰ نسخه
 نوبت چاپ : دوم ۱۳۹۰
 شماره شابک : ۹۶۴-۷۳۸۳-۲۳-۱
 شابک دوره : ۹۶۴-۷۳۸۳-۲۴-X
 چاپ : جام طلایی
 قیمت : ۷۰۰۰۰ تومان
 نشانی الکترونیکی : WWW.ChandgahMusic.ir

فهرست

۱۳	پیشگفتار
۲۱	فصل اول: موسیقی پیانویی در دوران باروک
۲۵	استاکاتو
۲۶	جمله و نیم جمله
۳۵	سرعت
۳۵	علامات دینامیک
۳۶	ریتارداندو
۳۸	آچلراندو
۳۹	اکتاوها
۴۱	انگشت گذاری
۴۳	تریل
۵۳	بالانس
۷۶	پدال
۷۹	کنتراست
۸۱	فصل دوم: موسیقی پیانویی در دوران کلاسیک
۸۶	استاکاتو
۸۹	جمله و نیم جمله
۱۰۲	پاراگراف ها یا مباحث کلی
۱۰۶	چرا اجرای موزیکال اتودها بسیار ضروری است؟
۱۱۰	علامات دینامیک
۱۱۱	کنتراست
۱۱۸	ریتارداندو

۱۱۸	آچلراندو
۱۲۱	تکرار مجدد تم ها
۱۲۹	تمپو
۱۳۳	انگشت گذاری
۱۳۶	تریل
۱۴۴	بالانس
۱۵۵	پدال
۱۵۷	چگونگی اجرای قسمتهای انتهایی (کادانسها) در قطعات قرن هجدهم
۱۵۹	فصل سوم: موسیقی پیانویی در دوران رمانتیک
۱۶۵	استاکاتو
۱۶۹	جمله
۱۸۰	پاراگراف
۱۸۴	علامات دینامیک
۲۰۱	ریتارداندو و آچلراندو
۲۰۵	تکرار مجدد تم ها
۲۱۰	تمپو و سونوریتته
۲۱۴	انگشت گذاری
۲۱۷	تریل
۲۱۸	بالانس
۲۲۰	پدال
۲۲۳	بیوگرافی نویسنده

به نام خداوند خالق هنر

موسیقی پیانویی در دوران باروک^۱

دوران موسیقی باروک را از سال ۱۶۰۰ تا ۱۷۵۰ میلادی می دانند.

عظمت هنری موسیقی باروک در حقیقت در نیمه اول قرن هجدهم میلادی قرار دارد. ولی به طور کلی آثار مربوط به این قرن را همانطور که در مدارس موسیقی جهان مصطلح می باشد، آثار قرن هفدهم میلادی گفته و استیل مربوط به باروک را استیل قرن هفده میلادی می شناسند.

در این قرن علوم مختلف موسیقی به بالاترین حد پیشرفت خود نائل آمدند و مهمترین و پیچیده ترین علم مربوط به آهنگسازی در آن زمان یعنی کنترپوان^۱ به نقطه اوج و عظمت فنی خود رسید.

در دوران باروک پیانو وجود نداشت و سازهایی از قبیل کلاوسن^۲، ویرژینال^۳ و ارگ^۴ از گروه سازهای کلاویه دار^۵ یافت می شدند. قطعاتی که امروزه به عنوان آثار مربوط به قرن هفده میلادی بر روی پیانو اجرا می شوند، قطعاتی هستند که در اصل برای پیانو نگاشته نشده اند.

موسیقی نگاشته شده برای کلاویه در دوران باروک تقریباً تماماً مذهبی و تحت نفوذ کلیسا بود ولی کلیسای فرانکیش تر و روشنفکرتر از کلیسای قبل از دوران رنسانس^۶.

در اواخر قرن پانزدهم نفوذ بیش از حد کلیسا و علمای مذهبی اروپا که تا آن روز مانع از پیشرفت علوم مختلف از جمله موسیقی شده بود، کاهش یافت و همچنین مطالعات و تحقیقات دانشمندان، ادبا، منجمین، موسیقی دانان و ... نیز رنگ و بویی تازه و شکلی جدید به خود گرفت و راهی بسیار هموار برای گسترش علوم و از همه مهمتر موسیقی باز شد. تقریباً به علت مذهبی بودن کلیه آثار موسیقی در این قرن، آثار تصنیف شده در این زمان نمایشی نبوده و دارای حرکات آرتیستیک زیادی نیستند،

۱- Counterpoint: از مهم ترین فنون آهنگسازی در مدارس موسیقی.

۲- Clavecin: نوعی ساز کلاویه دار با مکانیسم زخمه ای.

۳- Virginal: نوعی ساز کلاویه دار

۴- Organ

۵- Clavier (در دو مرحله زمانی متفاوت پیانوهای اولیه به یوهان سباستین باخ معرفی شدند ولی وی جهت تصنیف قطعات خود از آنها استفاده نمود.)

۶- Renaissance: انقلاب فرهنگی که در اواخر قرن پانزدهم و اوایل قرن شانزدهم میلادی در اروپا با کاهش نفوذ کلیسا بر علم و هنر به تحقق پیوست.

باید گفت که اجرای قطعات مربوط به این قرن با رعایت استیل و اصول و قواعدی که در آن زمان بدان توجه می شده، امری بسیار مشکل می باشد.

اگر موسیقی قرن هفدهم میلادی خارج از استیل های نوازندگی باروک نواخته شود، برای شنوندگان آگاه و آنانکه گوشه آشنا به موسیقی این قرن دارند، ممکن است عجیب و ناآشنا به نظر رسد.

استاکاتو

یکی از مهم ترین موارد در استیل قرن هفدهم میلادی، استاکاتو می باشد. در این قرن، چیزی به نام استاکاتو از دیدگاه اجرایی وجود ندارد. بلکه استاکاتوها تنها از دیدگاه نوشتاری در قطعات باروک دیده می شوند. تمامی استاکاتوها، پرتاتو^۱ هستند و به هیچ وجه استاکاتو نمی باشند. بدین معنی که نباید آنها را تیز و مقطع اجرا کرد. لازم به ذکر است که نت های مقطع در قطعه ای با تمپوی بالا، خود به خود کمی مقطع تر اجرا خواهند گردید. چرا که اجرای نت های استاکاتو با تمپوی قطعه دارای ارتباط مستقیم می باشند.

در قطعات با تمپوی متوسط پرتاتوها طبعاً باید با حرکت موجی بازو و مچ به صورت منفصل^۲ اجرا شوند. البته این حرکت مقوله ای تکنیکی است که باید تحت نظر معلمی آگاه تمرین گردد.

۱- Portato: پرتاتو در حقیقت اجرایی ما بین لگاتو و استاکاتو محسوب می گردد. در این حالت نت ها به عوض اجرا شدن به شکلی تیز می توانند به نرمی و با حرکت موجی بازوها و مچ دستها اجرا گردند. در قطعات قرن هجدهم میلادی نیز معمولاً هر جا که آهنگساز نمی خواهد نت های استاکاتو، تیز اجرا گردند، بر روی آنها هم نقطه و هم خط اتصال قرار می دهد. به چنین تمهیدی پرتاتو گفته می شود. (مؤلف)

۲- Non Legato

همانطوری که در مثال (۱) انوانسیون^۱ دو صدایی باخ^۲ در فا ماژور می بینیم. نت هایی که در میزان اول و دوم، موتیف^۳ را به وجود می آورند نقطه دار یا استاکاتو هستند. ولی اجرای آنها نباید تیز و عصبی و بیش از حد مقطع باشد.

مثال (۱)



جمله^۴ و نیم جمله^۵

جمله ها و نیم جمله های موجود در موسیقی می توانند برداشتهای کاملی از نظم و نثر در ادبیات باشند. به جمله زیر توجه کنید:

اگر فردا به منزل من بیایی، در مورد کتاب جدیدم گفتگو خواهیم نمود.

۱- Invention : فنی در موسیقی - از مهم ترین درسهای مدارس موسیقی در رشته آهنگسازی

۲- Johann Sebastian Bach : آهنگساز و ارگ نواز آلمانی (۱۷۵۰ - ۱۶۸۵)

۳- Motif : کوچکترین جزء یک قطعه موسیقی است که از اجتماع تعدادی از آنها تم ها و یا حتی نیم جمله ها و جمله ها به وجود خواهند آمد.

۴- Sentence - هرچند در این قسمت به بررسی جمله ها و نیم جمله ها از دیدگاه علم فرم در موسیقی اشاراتی شده است، باید متذکر گردم که در تمام این کتاب، جمله ها را فقط از دیدگاه حس تمام شدن بررسی کرده ام. پس گاه ممکن است با عبارات ملودیکی روبرو شویم که از دیدگاه علم فرم در موسیقی، جمله هایی کامل محسوب نگردند، ولی ما از دیدگاه علم موزیکالیته آنها را جمله کامل فرض نموده و در انتها با دکرشنده به پایان می رسانیم. در نتیجه از دیدگاه علم موزیکالیته، تمام شدن یک جمله همیشه منوط به بازگشت به درجه یکم نمی باشد. (مؤلف)

۵- Phrase

استیل های یک مکتب موسیقی و موزیکالیته قبل از اینکه یک احساس باشند یک علم محسوب می شوند. تلفیق درک و احساس صحیح از یک قطعه همراه با رعایت اصول مربوط به استیل های نوازندگی یک قرن و موزیکالیته، می توانند زیبایی های اجرای یک اثر را نمایان گردانند. کتاب حاضر نه تنها برای پیانیست ها بلکه برای کلیه هنرجویانی که در موسیقی بین المللی فعالیت می کنند می تواند به عنوان کتابی مرجع مفید واقع شود.

